

جلسه اول:

معامله با خداوند

"إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ" (سوره توبه/آیه ۱۱۱)

ترجمه:

"همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می کنند پس (دشمنان دین را) به قتل می رسانند و (یا خود) کشته می شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا با وفاتر به عهد کیست؟ پس از این معامله ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است".

نکته ها:

دنیا، بازار است و مردم در آن معامله گر.فروشنده، مردم هستند و خریدار خداوند. متاع معامله، جان و مال است و بهای معامله بهشت.اگر به خدا بفروشند، سراسر سود و اگر به دیگری بفروشند یکسره خسارت است.

*معامله با خدا چند امتیاز دارد:

(۱) خود ما و توان و دارایی ما از اوست، سزاوار نیست که به جز او بدهیم.

(۲) خداوند اندک را هم می خرد (مثقال ذره خیرا یره)

(۳) عیوب جنس را اصلاح می کند و رسوا نمی سازد.

(۴) به بهای بهشت می خرد.خداوند در خریدن وارد مزایده میشود و نرخی را پیشنهاد می کند که فروختن به غیر احمقانه و خسارت است.

امام صادق (ع) می فرماید:

برای بدنهای شما جز بهشت ، بهایی نیست ، پس خود را به کمتر از بهشت نفروشید.

پیام ها:

(۱) با داشتن خریداری همچون خدا چرا به سراغ دیگران برویم؟ (ان الله اشتری)

(۲) خداوند ، تنها از مومن خریدار است نه منافق و کافر (من المومنین)

(۳) در پذیرش الهی جهاد با جان بر جهاد مالی مقدم است (انفسهم و اموالهم)

(۴) بهشت در سایه جهاد و شمشیر و تقدیم جان و مال بر خداوند است. (لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله)

(۵) اگر هدف از جهاد ، خدا باشد، کشته شدن یا نشدن تفاوتی نمی کند (یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون)

(۶) مومن همواره آماده رفتن به جبهه است (یقاتلون فعل مضارع نشانه استمرار و تداوم است)

(۷) هدف مومن از جنگ ، ابتدا نابود کردن باطل و اهل آن ، و سرانجام شهادت است (یقتلون و یقتلون)

(۸) در معامله با خدا سود یقینی و قطعی است (وعدا علیه حقا)

(۹) ارزش جهاد مجاهدان و شهیدان مخصوص اسلام نیست در تورات و انجیل هم مطرح است. و اگر امروزه در آن کتاب ها نیست نشان تحریف آنهاست (فی التوراء و الانجیل)

(۱۰) گرچه ما بر خدا حقی نداریم اما خداوند برای ما بر عهده خودش حقوقی قرار داده است (وعدا علیه حقا)

(۱۱) معامله یک عقد لازم است که وفا به آن واجب است (وعدا حقا اوفی)

۱۲) خداوند مجاهدان مخلص را طرف معامله خود قرار داده است. (با یعتم). نفرمود (بعتم)

۱۳) بهترین بشارت تبدیل فانی به باقی و دنیا به آخرت است و غیر آن خسارت و حسرت است. (فاستبشروا)

۱۴) در کنار انتقاد از منافقان جهاد گریز باید از مومنان مجاهد تقدیر و تشکر شود. (فاستبشروا)

۱۵) بالاترین رستگاری تنها در سایه معامله با خداست (ذلک هو الفوز العظیم)

جلسه دوم:

سخنرانی مقام معظم رهبری بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد امام خمینی (ره):

پنج شاخص مهم انقلابی گری:

۱) پایبندی به مبانی و ارزش ها و اصول مبانی

۲) همت بلند برای رسیدن به استقلال فرهنگی – سبک زندگی ایرانی اسلامی

۳) پایبندی به استقلال همه جانبه – استقلال اقتصادی – فناوری نو و پیشرفته نانو ، هسته ای ، هوا فضا

۴) حساسیت در برابر دشمن

۵) تقوای دینی و سیاسی

ویژگی های مومن:

نه ویژگی مومن بر اساس آیه ۱۱۲ سوره توبه:

۱) التائبون: توبه کنندگان از هر آلودگی و گناه توبه می کنند

۲) العبادون: عباد کنندگان

۳) الحامدون: ستایش کنندگان با پرستش و راز و نیاز خدا، خودسازی می کنند. حمد و ثنای خدا می گویند.

۴) السائحون: روزه داران، سیر کنندگان، کسانی که در راه خدا در زمین گردش می کنند (سیر و گردش توأم با دقت و فکر، سیر روحانی)

۵) الراكعون: در برابر عظمت خدا تواضع و رکوع می کنند

۶) الساجدون: سجده کنندگان (کسانی هستند که سر بر آستان خدا) سجده می کنند.

۷) الامرون بالمعروف: مردم را به نیکی ها دعوت می کنند.

۸) والناهون عن المنکر: و مردم از هر گونه زشتی و پرده دری نهی می کنند.

۹) والحافظون لحدود الله: حافظان و نگاهبانان برای حدود و مرزهای الهی هستند. (حدود الهی را نمی شکنند وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)

خداوند به پیامبرش می فرمود به مومنان چند ویژگی دارند: بشارت بده و رستگاری و سعادت را پیام های آیه:

۱- شرط وفاداری خداوند به پیمان خود، پایداری مؤمنان بر حفظ حدود الهی است. (وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ... التَّائِبُونَ)

۲- جهاد اکبر و خودسازی، لازمه ی جهاد اصغر در جبهه هاست. (يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... التَّائِبُونَ)

۳- اسلام دینی جامع است، اشک را در کنار شمشیر و عبادت را در کنار سیاحت قرار داده است. (يُقَاتِلُونَ... التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ السَّائِحُونَ)

۴- آنچه مطلوب است، ملکه شدن کمالات در انسان است. (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ) (همه صفات به صورت اسم فاعل آمده، نه فعل، تا دلالت بر استمرار کند).

- ۵- تقویت روحیه ی رزمندگان اسلام، با ذکر و یاد خدا و عبادت است، نه شراب و موسیقی که در جبهه ی دشمن است. (يُقَاتِلُونَ...التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ)
- ۶- شرط قبولی عبادت، توبه از گناه است. (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ)
- ۷- تحرک، تلاش، سیاحت، هجرت و خودسازی، در راه کسب کمال و قرب الهی ارزش است. (السَّائِحُونَ، مردان خدا، راکد و زمین گیر نیستند.)
- ۸- سرباز و رزمنده ی اسلام باید اهل نماز و عبادت باشد. (يُقَاتِلُونَ، الرَّاکِعُونَ السَّاجِدُونَ)
- ۹- در مسیر کمال، اول خودسازی است، بعد جامعه سازی (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ... الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ)
- ۱۰- درگیری با دشمن در مرزها، ما را از مفسد و منکرات داخلی غافل نسازد. (يُقَاتِلُونَ، الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ)
- ۱۱- برای حفظ حدود الهی، باید هم با دشمن خارجی جنگید، هم با مفسد داخلی مبارزه کرد. (يُقَاتِلُونَ، النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ)
- ۱۲- رزمندگان برای جلوگیری از مفسد اجتماعی، بیش از دیگران مسئولند. (يُقَاتِلُونَ، النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ)

جلسه سوم:

عزت نفس و شرف آدمی

قال الله تعالى: و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين و لكن المنافقين لا يعلمون

عزت مخصوص خدا و رسول او و مومنان است، ولی منافقان نمی دانند (منافقون ۸)

قال الصادق (ع) شرف المومن قيام الليل و عزة استغناؤه عن الناس

مناجات علی(ع) الهی کفی بی عزا ان اکون تک عبدا و کفی بی فخرا ان تکون بی ربا

مقدمه: عزیزه عزت خواهی و عظمت سیادت و آقایی، از غرائزی است که در وجود آدمی است که حا فهمیده می شود هر چند با چشم ظاهری دیده نمی شود، حسین(ع) سر دوراهی عزت و ذلت، عزت را برگزیده است و مرگ سرخ را استقبال کرد(هیئات منا الذله)
مصادیق عزت نفس و شرف آدمی:

۱- عزت خواهی مسی بن جعفر(ع) منقول از شیخ بهایی در کتاب مفتاح الفلاح

پس از سر برداشتن از سجده شکر عرض می کند. الهی و فی نفسی لک فذللی و فی
اعین الناس فعیظمنی

۲- عزت و عظمت علی(ع): خیرار بین ضمیره از خواص علی(ع) در ملاقاتی با معاویه، طبق

درخواست او علی(ع) را توصیف و تعریف کرد، گفتارش قطعی، قضا و تنش مقرون به عدل و داد بود، از اطراف وجودش خیمه های علم و دانش تراوش داشت، به تاریکی شب انس داشت، بسیار فکر می کرد و فراوان می گریست از لباس خشن خوشش می آمد. اهل دین را محترم می شمرد، بینوایان را به خود نزدیک می کرد در بعضی وقتها شب پرده تاریکی اش را خرو بست و ستاره ها می رفتند علی(ع) دست بر محاسن مبارکش گرفته، مانند مار گزیده به خود می پیچید و گریه می کد و میگفت ای دنیا دیگری را گول بزن و فریب بده من تو را سه طلاقه کردم که رجعتی در آن نیست. آه از کمی توشه و دوری سفر و وحشت راه، سخن که به این جا رسید معاویه به گریه افتاد و گفت: رحم الله ابالحسن کان و الله کذلک معاویه به فرار گفت: کیف حزنک علیه گفت حزن من مانند کسی است که فرزند او را در آغوشش سر ببرند که اشک چشمش تمام شدنی نبود و حزنش آرام نگیرد.

۳- عزت نفس سید رضی در جمع آوری نهج البلاغه: خداوند فرزندی به سید رضی عنایت

فرمود. یکی از وزرا هزار دینار در طبقی گذاشته و به رسم هدیه برایش فرستاده سید آن را رد کرد و فرمود و زیر می داند که من از هیچ کس هیچ چیز قبول چیزی قبول نمی کنند، بار سوم گفت برای قابله باشد سید گفت زنان بیگانه برای زنان ما قابلگی نمی کنند، برای بار چهارم گفت به طلاب بدهید که دروس شما شرکت می کنند سید

فرمود طلاب حاضرند هر کس هر قدر می خواهد بردارد و فقط یک طلبه یک دنیا را برداشت آنهم بابت روغن چراغ که از بقال قرض گرفته بود.

مناجات علی(ع):

الهی کفی بی عزا ان اکون لک عبدا

عزت من همین بس که بنده است باشم

و کفی بی فخرا ان تکون بی ربا

و می بالم به خودم که خدای من تو باشی (بحار، ج ۷۷، ص ۴۰)

قال الصادق(ع):

شرف المومن قیام اللیل، و عزه استغناؤه عن الناس (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۷)

با عزت نفس سید رضی:

هزار دینار به رسم هدیه از ناحیه وزیر

۱- وزیر می داند که من از هیچ کس چیزی قبول نمی کنم.

۲- برای مولود باشد، کودکان ما هم چیزی قبول نمی کنند.

۳- برای قابله باشد، زنان بیگانه برای زنان ما قابلگی نمیکنند.

۴- به طلاب بدهید، فرمود طلاب حاضرند هر کس هر قدر می خواهد بردارد فقط فقط یک

طلبه یک دینار را برداشت بابت روغن چراغ که از بقال قرض گرفته بود.

* ده نشانه منافق:

۱) دروغ گویی صریح و آشکار

۲) سوگندهای دروغین برای گمراه ساختن مردم

۳) عدم درک واقعیات ، بر اثر رها کردن آئین حق

۴) داشتن ظاهری آراسته و زبانی چرب

۵) بیهوده گویی در جامعه و عدم انعطاف در مقابل حق

۶) بدگمانی ، ترس و وحشت از هر حادثه ، بخاطر خائن بودن

۷) حق را به باد سخریه و استهزاء گرفتن

۸) فسق و گناه (ان الله لایهتدی القوم الفاسقین)

۹) خود را مالک همه چیز دانستن و دیگران را محتاج به خود پنداشتن.

۱۰) خود را عزیز و دیگران را ذلیل ، تصور کردن

(تفسیر نمونه ، ج ۲۴ ، ص ۱۷۷)

در نهج البلاغه ، خطبه ای مخصوص توصیف منافقان است: خطبه ۱۹۴:

۱) هر روز به رنگ تازه ای در می آیند و به قیافه ها و زبان های مختلف خودنمایی می کنند.

۲) از هر وسیله ای برای فریب دادن و در هم شکستن شما بهره می گیرند و در کمین شما نشسته اند.

۳) بد باطن و خوش ظاهرند: مخفیانه برای فریب مردم گام بر می دارند.

۴) گفتارشان شفا بخش ، اما کردارشان ، دردی است درمان ناپذیر.

۵) امیدواران را مایوس می کنند و همه جا آیه یاس می خوانند.

۶) در برابر هر حقی باطلی ساخته و در مقابل هر دلیلی شبهه ای ایجاد می کنند

«أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»

ترجمه: آنها حزب شیطانند بدانید حزب شیطان زیانکارانند.

عزت در لغت فارسی به معنی: احترام و آبرو ، با گران بها بودن است. در لغت عرب: به معنی قدرت ، شکست ناپذیر است.

امام صادق (ع): فالمومن یکون عزیزا ولا یکون ذلیلا... مومن عزیز است و ذلیل است و ذلیل نخواهد بود. مومن از کوه محکم تر است چرا که کوه را با کلنگ ها ممکن است قطعه قطعه کرد ، ولی چیزی از دین مومن هرگز کنده نمی شود.

و امام صادق (ع) در حدیث دیگری فرمود:

سزاوار نیست مومن خود را ذلیل کند ، سوال شد چگونه خود را ذلیل می کند ؟ فرمود: به سراغ کاری می رود که از او ساخته نیست.

(کافی ، ج ۵ ، ص ۶۳ ، حدیث ۴)

امام مجتبی (ع) فرمود: هر گاه بخواهی بدون داشتن قبیله عزیز باشی ، هیبت داشته باش از سایه ذلت معصیت خدا به در آی ، و در پناه عزت اطاعت او قرار گیر.

(بحار ، ج ۴۴ ، ص ۱۳۹)

جلسه چهارم:

عوامل عزت در کلام امام حسین (ع): (بر سر دو راهی عزت و ذلت)

۱) ارتباط با خدا منبع اصلی عزت: قال الله تعالی: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ...

عزت یکسره از آن خداست (فاطر/۱۰)

به قول علامه طباطبایی در تفسیرش: هر کس عزت می خواهد باید از خدای سبحان بخواهد. زیرا عزت همه اش ملک خداست و هیچ موجودی نیست که خودش با لذات عزت داشته باشد.

امام علی (ع) فرمود: العزیز بغیر الله ذلیل..... عزیز می که عزتش از ارتباط با غیر خداست ذلیل است (بحار، ج ۷۸، ص ۱۰)

۲) ارتباط با رسول خدا (ص): چند آیه به عظمت یاد شد که یکی از آنان اخلاق پیامبر است.

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ (قلم/۴)

ارتباط با چنین انسان والایی از طریق رفتار و کلام و شریعتی که او آورد عزت بخش است. پیامبر (ص) نه از خود ذلت نشان می دهد و نه به کسی اجازه می دهد تا تن به ذلت و پستی بدهد.

از اینکه پیاده ای او را همراهی کند در حالیکه او سوار بر مرکب باشد ابا داشت. حسینی که این همه ارتباط تنگاتنگ با رسول خدا داشت هرگز تن به ذلت نمی دهد.

۳- ارتباط با مومنان: مومنین دچار ذلت و پستی که از مصادیق خسران است نمی شوند. سوره والعصر بهترین شاهد است. حسین بن علی (ع) می گوید: مومنینی که من با آنها در ارتباط هستم مرا به عزت فرا می خوانند و از ذلت و خواری بیعت با یزید باز می دارند.

۴- روزی حلال: انسان چهار طبقه خلق شد: ۱- مغز ۲- قلب ۳- شکم ۴- شهوت

شیری که از تلاش علی (ع) برای معاش خانواده در سینه ی مادری چون زهراس گرد آمد و به فرزندش حسین (ع) داده او را نفوذ ناپذیر ساخته است.

رسول خدا (ص) طلب الحلال جهاده (ره توشه راهیان نور، سال ۷۹، ص ۹۱)

فلینظر الامنان الی طعامه، باید انسان به طعامش بنگرد.

۵- مریبان شایسته : اگر حسین (ع) در روز عاشورا بر قله عزت و شرافت انسانی صعود می کند به دلیل داشتن مریبان آگاه و عامل می باشد. پیامبر و زهرا و علی (ع) و امام حسین (ع) مربی اش بودند. لذا حسین (ع) می فرماید موت فی عز خیر من حیاة فی ذل. مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

۶- کاسه بدستان دنیا دو دسته اند: ۱- عده ای می گویند خدایا بده این ارزشمند اند. ۲- عده ای می گویند آقا بده. حاج شیخ رمضانعلی قوچانی یکی از علمای نیکوکار و فقهای پارسا بود. در مسجد گوهرشاد امام جماعت بود. پس از اینکه بیماری در حال احتضار، بستگانش دیدند به ناگاه برخاست و نشست و شروع به گریستن کرد و به خواندن مصیبت امام حسین (ع) پرداخت.

جلسه پنجم:

فلسفه آفرینش و مهلت دادن به شیطان:

۱) خداوند چرا شیطان را آفرید؟ با اینکه می دانست سرچشمه وسوسه ها و گمراهی میشود؟

اولا: خلقت شیطان را آغاز ، خلقت پاک و بی عیبی بود و سالیان دراز در صف مقربان درگاه خدا و فرشتگان بزرگ جای گرفته بود ، اگرچه از نظر آفرینش جزء آنها نبود. پس با سوء استفاده از آزادی خود ، بنای طغیان و سرکشی را گذاشت و راندهی درگاه خداوند گردید و لقب شیطان را به خود اختصاص داد.

ثانیا: وجود شیطان برای پویندگان راه حق ، نه تنها زیان بخش نیست ، بلکه رمز تکامل نیز محسوب میشود، زیرا وجود یک دشمن قوی در مقابل انسان ، باعث پرورش و ورزیدگی او می گردد. و اصولا همیشه تکامل ها در میان تضادها به وجود می آید، و هیچ موجودی راه کمال را نمی پوید مگر اینکه در مقابل ضد نیرومندی قرار گیرد.

۲) بعد از اینکه شیطان مرتکب چنان گناه بزرگی شد ، چرا خداوند تقاضای او را مبنی بر ادامه حیات او پذیرفت؟

الف) شیطان بعد از انجام آن گناه ، سعادت و نجات خود را در جهان دیگر به کلی به خطر انداخت ، لذا در برابر عباداتی که کرده بود ، تقاضای عمر طولانی در این دنیا کرد ، طبق قانون عدالت پروردگار ، این تقاضا را پذیرفت.

ب) اگرچه خداوند شیطان را در انجام وسوسه هایش آزاد گذاشته ولی انسان را در برابر او بی دفاع قرار نداد.

ابزار دفاع در برابر شیطان:

۱) نیروی عقل می تواند سد نیرومندی در مقابل وسوسه های شیطان باشد

۲) فطرت پاک و عشق به تکامل را در وجود انسان به عنوان یک عامل سعادت قرار داده است.

۳) فرشتگان الهام بخش نیکی ها را به کمک انسانها می فرستد ،

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾

کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است (۳۰)

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ (اعراف)

گفت: اکنون که مرا گمراه ساختی من بر سر راه مستقیم تو برای آنها کمین می کنم. (اعراف-۱۶)
ثُمَّ لَأَتَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ (اعراف)

سپس از پیشرو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغ آنها می‌روم و اکثر آنها را شکرگزار نخواهی یافت (اعراف-۱۷)

مقدمه یکی از ضرورت های زندگی بشری شناخت دشمن است چون تمام تلاش و فعالیت انسان رسیدن به سعادت و خوشبختی است که وجود دشمن مانع است.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾

مسلمان شیطان دشمن شماست، او را دشمن خود بدانید، او فقط حزبش را به این دعوت میکند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند! (۶)

همانطور که میکروب دشمن جسمانی انسان است شیطان دشمن روح و جان انسان است دشمن ایمان انسان است و شیطان دشمن نامرئی است.

*شیطان بر انسان سلطه ندارد.

مَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي ﴿ابراهيم-۲۲﴾

من هم به شما وعده (باطل) دادم و تخلف کردم، من بر شما تسلطی نداشتم جز اینکه دعوتتان کردم و شما پذیرفتید، (ابراهيم-۲۲)

شیطان فقط وسوسه می کنند اما وقتی که انسان به دنبال شیطان به راه افتاد و از وسوسه های او پیروی کرد بر او مسلط می گردد انسان در محاصره ی شیطان است فقط دو راه برای نجات از محاصره ی شیطان است شیطان می گویند از چهار طرف شما را محاصره می کنم دو طرف بالا و پایین را ذکر نمی کند پس دو راه برای فرار و نجات از دست شیطان به روی انسان باز است.

هرگاه انسان صورت بر خاکم نهند و دست بر دعا برد گناهان ۷۰ ساله اش را می بخشیم

۱- طرفه بالا از طریق دعا و پناه بردن به خدا

وَمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (فصلت-۳۶)

و هر گاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد از خدا پناه طلب که او شنونده و آگاه است. (فصلت-۳۶)

شیطان با وسوسه از کالاهای مضر و اعمال زشت و نامطلوب را برای انسان زیبا جلوه می دهد.

جلسه ششم:

سه مرحله استغازه:

۱- با زبان لفظ استغازه را بگویند، اَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (استغازه

لفظی قولی)

۲- با اعضا و جوارح، هر آنچه که مورد علاقه شیطان است دوری کند و آنچه موجب رضا و خشنودی خداست نزدیک شود.

۳- اتغازه به قلب، انسان تمام همش را متوجه اشتغال به خدا و لذت مناجات با او گرداند.

رہایی آیت الله کوهستانی از کمندهای شیطان:

مرحوم در زیان نقل می کرد. صبحی متوجه گشتم که خانمی از هالی کوهستان با حال

گریه و زاری به منزل آقا جان آمد و آقا وقتی او را در آن حال دید. پرسید چرا گریه می

کنی؟ زن گفت گریه ام برای خواب ترسناکی است که دیشب دیدم و آن این که، دیدم

شخصی چند ریسمان بر دوش دارد و از نزدیک منزل شما می گذرد و گفتم تو کیستی؟ و

این ریسمانها برای چیست؟ گفتم من هر کس هستم به شیخ محمد بگو دوبار او را کمین

زدم و نتوانستم او را به دام بیندازم، ولی دفعه ی بعد حتما او را در کمند خود گرفتار می کنم. من از خواب بیدار شدم خیلی ترسیدم، صبح که نماز را خواندم زود نزد شما آمدم تا این قضیه را برای شما تعریف کنم. آقا جان پس از شنیدن خواب زن فرمود ظاهرا این دو کمند مربوط به دو نفری است که پول زیادی از وجوهات را آورده بودند ولی من نپذیرفتم.

۱- شخصی که مبلغ یک میلیون و ششصد و چهل هزار تومان سهم امام (ع) آورده بود و اصرار داشت که آن را فقط به آیت الله کوهستانی بدهد. اما آقا قبول نکرد فرمود بجا آیت الله شاهرودی و آیت الله بروجرودی حواله کنید.

۲- شخص ظاهرا بهایی بود که حدود هفتاد و شش هزار تومان پول آورده بود که برای مصرف طلاب یا امور خیریه صرف گردد حضرت آیت الله کوهستانی فرمود دیدم این پول بیمار است از گرفتن آن امتناع ورزیدم بعضی در آن جلسه گفتند آقا شما نیازمند به این پول هستید چرا رد می کنید، فرمود نیازمند بمانم بهتر است که دست به این پولها بزنم.

آنگاه آقا از جا برخاست و آیت الکرسی و برخی دعاها را خواند و به طرف درها و پنجره های حسینیه میروید فرمود: شیطان زیرک است از این در و پنجره داخل می شود.

ناله ی شیطان از دست سلمان زمان آیت الله کوهستانی:

جعفردایی خدمتگزار آقای کوهستانی میگفت: چند روز پس از درگذشت آقا جان شبی شیطان را به صورت پیرمردی در خواب دیدم که اسباب و وسایل خود را به دوش گرفته می خواهد از محل خارج گردد، گفتم کجا می روی؟
گفت: شیخ محمد که فوت کرد کار ما هم تمام شد بقیه مردم هم که نیازی به من ندارند.

۳- طرف پایین، از طریق سجده و بخاک افتادن در پیشگاه خداوند، عن معاویه بن عمار قال:

سمعت ابا عبد الله (ع) و هو يقول: ان العبد اذا طال السجود حیث لایراه احد قال الشیطان: واولیاه اطاعوا و عصیت و سجدوا و ابیت. (ثواب الاعمال، شیخ صدوقی، ص ۸۲)

عن زید النسمام قال: قال ابو عبدالله(ع): اقرب ما يكون العبد الى الله و هو ساجد. یعنی نزدیکترین حالات بنده به پروردگار حالت سجده است. (همان مدرک)

خطاب پیامبر (ص) به ربیعۀ بن کعب (انس) در بان خانه اش: تو که، بهشت را طالبی مرا با سجده های طولانی یاری کن.

امام باقر(ع) در تفسیر آیت صدر مجلس فرمودند، شیطان از چهار طریق برای وسوسه ی انسان وارد می شود.

۱- سبک جلوه دادن آخرت:

من بین ایدیهم، معناه اهون علیهم امر الاخرة. شیطان می گوید: آخرت را پیش آنها سبک جلوه می دهد (تا آن را فراموش کنند و از آن غافل شوند چون زیاد بردند به انواع معاصی و گناهان آلوده می شوند و گرفتار شقاوت و بدبختی می گردند) اسما و اوصاف قیامت

۱- سوما ثقیلا (انسان، ۲۷) روز سخت و سنگین، از نظر محاسبه ی اعمال از نظر مجازات، عذاب یا نعمتش ابدی است.

۲- عم یتسائلون عن النبء العظیم، آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند، از خبر بزرگ و پر اهمیت قیامت سؤال می کنند.

۳- سوما کان شره مستطیرا (انسان، ۷) روزی که عذاب و شر آن، گسترده است.

۴- یوما يجعل الولد ان شیباً. (مزمّل، ۱۷) روزی که بچه را پیر می کند هول و وحشت آن چنین است.

تاثیر قرآن در دل بچه: در تفسیر نیشابوری نقل نموده است بچه ای به کلاس قرآن می رفت روزی بعد از برگشت از کلاس بچه تب کرد و بستری می شود پدرش پرسید چه شده؟ بچه گفت امروز استاد این آیه را (یوما يجعل الولد ان شیباً) را بما آموخته است. من از ترس چنین روزی ناراحتم ترس از آخرت که به جان بچه افتاده او را به سوی مرگ پیش می برد و بچه می میرد پدرش بر سر قبر بچه ناله می کند و می گوید فرزند عزیزم تو با فطرت پاک و دل لطیف اینطور قرآن متاثر کرد، دل سیاه پدرت باید از ترس قیامت بمیرد. (تفسیر سوره یاسین، ص ۴۰، شهید دستغیب)

گزینه انبیا و ائمه از ترس قیامت:

هر وقت سخن از قیامت و آخرت پیش می آمد پیامبر (ص) از ترس آن روز اشکش جاری می شد.

کنار قبر میتی که تازه داشتند آن را آماده می کردند انقدر گریه کرد که خاک تبدیل به گل شد.

عدی بن حاتم یکی از اصحاب خاصش علی (ع) می گوید: علی (ع) در دل شب مثل مار گزیده ها به خود می پیچید و می فرمود: آه من قله الزاد و بعد السفر

سعی و تلاش جدی انسان برای تحصیل آخرت

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. (٣٩)

وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى ﴿٤٠﴾ و اینکه سعی به زودی دیده می شود (و به نتیجه اش می رسد) (٤٠).

وقتی سخن از آخرت به میان می آید بعضی می گویند خداوند کریم است و هیچ سعی و تلاش در امر آخرش نمی کنند اگر واقعا خدا را کریم می دانیم پس چرا در این دنیا تورا کریم نمی دانیم و برای به دست آوردن دنیا سعی و تلاش زیادی از خود نشان می دهیم پس معلوم میشود که روی صحت و حقیقت این حرف را نمی زنیم قرآن کریم برای آخرت دستور فرموده تأکید کرده تشویق و تهدید کرده که بایستی برای آخرت جایی که تمام خطرها آنجا فکری کرد باید سعی کرد مبادا گدا وارد محشر بشویم.

٢) راه دوم وسوسه شیطانی دوستی دنیا

دعوت به جمع آوری مال و ثروت و بخل ورزیدن در پرداخت حقوق مالی تا اینکه همه ثروت و مال به ورثه می رسد

و خودشان از منافع اخروی مال محروم می مانند.

حقوق مالی بر دو قسم است:

۱ حقوق واجب مالی

۲ حقوق مستحب مالی

حقوق واجب مالی بر سه قسم است: یک: زکات دو: خمس سه: نفقه ی اهل و عیال

زکات: خداوند در سوره ی آل عمران آیه ی مبارکه ی ۱۸۰ درباره ی مانعان زکات می فرماید

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾

بر شما نوشته شده، هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر چیز خوبی از خود بجای گذارده، وصیت برای پدر و مادر و نزدیکان بطور شایسته کند، این حقی است بر پرهیزکاران (۱۸۰)

خمس: اصل خمس برای آن است که مسلمانان مال و جانشان پاک گردد و علاقه ی شان به حضرت محمد (صلوات الله علیه) بیشتر شود.

تفسیر سوره ی حجرات صفحه ی ۶۳ شهید دستغیب

نفقه ی اهل و عیال:

پیامبر (صلوات الله علیه) فرمودند: کسی که بار خود را - مخارج زندگی اهل و عیال خود - بر دوش دیگران اندازد از رحمت خداوند بسیار دور است.

۲ حقوق مالی مستحب: ۱. صدقه ۲. هدیه (هدیه ی قرضی، هدیه ی رفاقت، هدیه ی برای خدا) ۳. مهمانی دادن: مومنی که مهمان را دوست دارد روزی که از قبرش بر انگیخته می

شود صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشد به گونه ای که اهل محضر با دیدن او می گویند او پیامبری از پیامبر مرسل الهی است ولی ملکی از جانب خداوند می فرماید این شخص مومنی است که مهمان را دوست داشت و اکرام می نمود در آن روز راه او به بهشت بر نعمت الهی باز است و وارد بهشت می شود.

۴. قرض دادن ۵. مهلت دادن به بدهکار دست تنگ و گذشتن از حق خود ۶. بخشش و کمک مالی در کارهای عام المنفعه مانند ساختن پل، حسینیه، مسجد، بیمارستان و ...

جلسه هفتم:

۳) راه سوم وسوسه ی شیطان و تزیین ضلالت و گمراهی و ایجاد شبهه در دین : شبهه در دین را شبهه هم می گویند زیرا شبیه حق است که با تامل و تفکر صحیح یا باطل بودن آن آشکار می گردد.

شیطان می گوید: با زینت دادن گمراهی و نیکی جلوه دادن شبهه دین را بر آنان فاسد می کنم.

*در سه چیز شک و تردید نیست:

۱) وجود خدا: أفی الله شكّ فاطر السماوات الارض (ابراهیم/۱۰)

*عالم و مرد دهاتی: مرد دهقانی بود یک عالم و محقق به او رسید پرسید اصول دین چند تاست ، بشمار ، دهقان گفت: پنج تا.

*توحید . عالم پرسید توحید یعنی چه؟ گفت: یعنی خدا یکی است و دو تا نیست. همه عالم یک خدا دارد.

لا اله الا الله. عالم خواست سر به سر دهقان بگذارد گفت دلیل تو بر یگانگی خدا چیست؟

دهقان گفت مگر این هم دلیل می خواهد و بی سواد است اما قلبش نورانی است.

خدا یکی است مگر از این روشن تر می شود دلیل یعنی چه؟ عالم گفت: حالا اگر کسی منکر بود جوابش را چگونه می دهی؟ دهقان گفت: بجان خودت بیل که در دست من هست میزنم سرش را دو تا می کنم مگر می ود خدا دو تا بشود؟

(تفسیر سوره حجرات، ص ۳۸۰، شهید دستغیب)

۲- در قرآن شک و تردیدی نیست، ذلک الكتاب لا ريب فيه

در وجود قیامت و آخرت شک و تردیدی نیست

راه چهارم وسوسه ی شیطان شهوت است شیطان می گوید لذات غلط و شهوات بیمارا محبوب قلب آنها می کنیم و شهوات را بر دلشان مسلط می نمیم.

قال علی (ع) الشهوات مقاید الشیطان، شهوات غلط دامهای شکار شیطان است. (غرر الحکم، ص ۱۴۳)

شیطان گام له گام انسان را به سوی بدبختی و شقاوت می کشاند.

۱- شرکت در مجلس آلوده به گناه

۲- دوستی و رفاقت با فردی فاسد و آلوده

۳- نگاه گناه آلود به نامحرم

۴- سرانجام لبخنزار شهوات که شیطان بجای خدا معبود او می شود.

نگاه به نامحرم تیر مسموم شیطان است

قال رسول الله (ص): النظره سهم مسموم من سهام ابلیس (جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۲)

بنده شیطان، در آخر کتاب منتخب التواریخ نقل شده، یکی از علماء بزرگ اصفهان فرمود: در

یکی از روستاهای اصفهان یکی از اهالی در حال جان داده بود مرا دعوت کردند تا در حال

احتضار کنار محضر باشم و برای او تلقین شهادتین کنم رفتم کنار شخص محضر نشستیم و به او توحید را تلقین کردم و گفتم بگو: لا اله الا الله محضر هم گفت در این حال ناگهان از سمت چپ گوشه اتاق صدای بلند شد صدق عبدی یعنی بنده من راست می گوید به محضر گفتم بگو یا الله باز صدای از همان نقطه اتاق بلند شد لبیک عبدی کسی جواب محضر را می دهد این عالم می گوید من با تعجب تمام از صاحب صدا سوال کردم تو کیستی که هر چه این محضر درباره ی معبود خود می گوید تو جواب می گویی صدا شنیدم می گوید من شیطان هستم این شخص یک عمر بنده خالص و مخلص من بود حال که مرا صدا میزند من جواب او را می دهم انسانی که باید بنده خدا باشد خداوند عالم معبودش باشد شیطان او را به فحشا و منکرات و گناهان کشانده است تا پای وجودش شیطانی شده موقع مردن شیطان آمده تا به جهنم بدرقه کند.

میرداماد و سوزاندن انگشتانش

میرداماد از دانشمندان عصر صفویه است در دوران جوانی در اصفهان یا قزوین در مدرسه ساکن بود و مشغول تحصیل علم دین بود روزی نزد شاه صفوی از پاکی و منزلت او سخن به میان آمد شاه برای آزمایش دختری زیبا را به اتاق میرداماد فرستاد فصل زمستان و هوا بسیار سرد بود دختر پس از گذشت مدتی از شب وارد مدرسه شد و در حجره میرداماد را زد میرداماد از اتاق بیرون آمد و گفت کیست؟ دختر گفت از خانه خودم دور افتاده و به هجر تو پناه آوردم میرداماد او را به درون حجره آورده و رختخواب خودش را برای استراحت دختر آماده کرد و خودش در گوشه ای از اتاق مشغول مطالعه و حاضر کردن درس فردا شد دختر به بهانه سوال خود را به میرداماد عرضه می کرد و عشوه گری می نمود اما میرداماد و هیچگونه توجهی به دختر نمی کرد و همچنان مشغول مطالعه بود اما از درون جناب میرداماد از هیجان شهوت شده بود و شیطان او را دعوت و وسواسه به گناه می کرد ولی میرداماد برای خاموش کردن شعله شهوت هر بار انگشتی از انگشت های دست را بالای شعله آتش می گرفت این چنین پنج انگشت خودش را آن شب سوزاند و عفت و پاکی خودش را حفظ کرد تا صبح شد

دختر از مدرسه میرداماد بیرون رفت داستان آن شب را برای شاه صفوی نفت کرد شاه دختر خود را به میرداماد داد.

جلسه هشتم:

موضوع: نور آوری ذکر خدا

چون روز عید فطر بعد از هر فریضه ای اذکاری را باید گفت لذا این موضوع امروز انتخاب کردم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾

فولادوند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید یادی بسیار

وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾

فولادوند: و صبح و شام او را به پاکی بستايد

هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

فولادوند: اوست کسی که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکیها به سوی

روشنایی برآورد و به مؤمنان همواره مهربان است

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾

فولادوند: درودشان روزی که دیدارش کنند سلام خواهد بود و برای آنان پاداشی نیکو آماده

کرده است

(سوره احزاب / آیه ۴۱ و ۴۲ و ۴۳)

امام علی (ع): ذکر خدا نور و روشنایی است و فراموشی خدا ظلمت و تاریکی است.

(غرالحکم - جلد ۱ - ص ۱۵۹)

مقدمه: امام صادق (ع) فرمود هیچ چیزی در عالم نیست مگر آنکه حد و اندازه ای دارد که وقتی به حدش رسید تمام میشود مگر ذکر خدا که هیچ حدی برایش نیست مثلا نماز یومیه ۱۷ رکعت و روزه یکماه در سال واجب است و حج در صورت استطاعت یکبار در عمر واجب است اما ذکر خدا حد و اندازه ندارد.

نکته ها:

رسول خدا (ص) فرمود: هر کس زبان ذکر داشته باشد خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است. قلب و روح ، مثل آهن زنگ میزند و ذکر خدا وسیله ای است تا آن را جلا دهیم. ذکر واقعی آن است که هنگام حلال و حرام یاد خدا کنیم و از گناه دست برداریم.

پیامها:

(۱) خطاب زیبا و محترمانه وسیله جذب مردم است. (یا ایها الذین آمنوا)

(۲) یاد خداوند زمانی در انسان موثر است که مستمر و بسیار باشد (ذکرا کثیرا)

(۳) آغاز و پایان روز را با تسبیح و یاد خدا بگذرانیم. (سبحوه بکره و اصلا)

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (سوره رعد / آیه ۲۸)

آگاه باشید تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد.

*اقسام ذکر خدا:

(۱) ذکر لفظی: نام خدا و اسماء و صفات الهی را بر زبان آوردن مثل

یا الله یا رحمن، یا رحیم ، یا غفور یا شکور...

تنها زبان انسان به ذکر خداوند مشغول باشد.

(۲) ذکر قلبی: دل انسان و تمام وجود انسان در باطن توجه به خداوند داشته باشد . انسان قلبش

به یاد خدا باشد نه تنها زبان ذکر خدا بگوید و قلب غافل از یاد خدا باشد.

(۳) ذکر عملی: یعنی انسان در عمل خود به یاد خدا باشد و خدا را فراموش نکند وقتیکه به

واجبی میرسد به یاد خدا بیافتد و آنرا انجام دهد و وقتیکه که به حرام و گناهی برخورد میکند

به یاد خدا افتاده آن حرام یا گناه را ترک نماید.

مصادیق ذکر کثیر چیست؟

الف) ذکر خدا هم در خلوت و هم در آشکارا ذکر کثیر است:

علی (ع) فرمود: هرکسی در نهان و خلوت ذکر خدا بگوید خدا را بسیار ذکر گفته است چون

منافقین آشکارا ذکر می گفتند و در نهان و خلوت به یاد خدا نبودند ، خداوند درباره شان

فرمود: (ولا یذکرون الله الا قليلا) و علی (ع) فرمود: و تب ذکر ذکر زبان و قلب ، ظاهر و باطن

باید یکی باشد.

ب) ذکر عملی ذکر کثیر است:

امام صادق (ع) فرمود: ذکر کثیر به زیاد گفتن (سبحان الله و الحمد لله) و (لا اله الا الله) و (الله

اکبر) نیست. هر چند این هم ذکر خداست ولی منظور از ذکر کثیر ذکر عملی است ، یعنی

هنگام برخورد با واجبات آنها را انجام دهد و هنگام روبرو شدن با گناهان آنها را ترک نماید.

ج) تسبیح حضرت زهرا (س) ذکر کثیر است:

*مواضع تسبیح حضرت زهرا (س):

۱) بعد از هر نما واجب:

امام صادق (ع) فرمود: هر کس تسبیح حضرت زهرا (س) را بعد از هر نماز بگوید پیش از آنکه از جای خود حرکت کند آمرزیده شود و بهشت بر او واجب می گردد.

۲) هر شب هنگام خواب:

امام صادق (ع) فرمود هنگامی که خواستید بخوابید ۳۴ مرتبه الله اکبر ، ۳۴ مرتبه الحمد لله ، ۳۳ مرتبه سبحان الله بگویید (اصول کافی ، جلد ۶ ، ص ۲۰۸)

امام باقر (ع) کثیر الذکر بود:

امام صادق (ع) درباره ی پدر بزرگوارش امام باقر (ع) می فرمود: پدرم کثیر الذکر بود بارها من با او قدم می زدم و میدیدم که مشغول ذکر است با او غذا می خوردم می دیدم مشغول ذکر است، با مردم سخن می گفت مع ذلک سخن با مردم او را از ذکر خدا باز نمی داشت بطور مداوم ذکر لا اله الا الله را می گفت، بارها ما را جمع می کرد و وادارمان می کرد به ذکر خدا گفتن تا طلوع آفتاب، و می گفت هر کدام می توانید قرآن بخوانید و هر کدام نمیتوانید ذکر بگوئید. (اصول کافی، ج ۶، ص ۱۰)

یکی از آثار ذکر خدا نورانیت انسان است:

هو الذی یصلی علیکم و ملائکة لیجزجکم من الظلمات الی النور و کان من المومنین رحیما، او کسی است که بر شما درود و رحمت می فرستد و فرشتگان او نیز برای شما تقاضای رحمت می کنند، تا شما را از ظلمات به سوی نور هدایت کند او نسبت به موان همواره مهربان بوده است.

علامه حسن زاده می فرمود: مشغول ذکر یا غنی و مغنی بودم به دو هزار عدد ذکر گفتم یکدفعه چشم بصیرت پیدا کردم.

نمونه های شخصیت نورانی:

۱- آیت الله کوهستانی (رض): یکی از علمای وارسته که شیخ رجبعلی خیاط بارها به زیارت او می رفت آیت الله کوهستانی بود جناب شیخ رجبعلی فرمود از آقای کوهستانی نوری ساطع است که به آسمان می رود. بعدها زمانی که فرمایش شیخ رجبعلی را برای آیت الله کوهستانی نقل کردند با تواضع و فروتنی تمام فرمود آن زمان ذکرهایی داشتیم، یعنی اگر نوری هست نور ذکر خداست. (کیمیای محبت، ص ۹۵)

از مرحوم آیت الله کوهستانی نقل شده که فرمود: اگر بعد از فوتم داخل تابوتم بمن اجازه بدهند و بگویند یک کلمه می توانی سخن بگویی، می گویم ای مردم، قدر ذکر لا اله الا الله را بدانید.

قیمت بهشت:

عن الصادق (ع): قول لا اله الا الله و ثمن الجنة، بهاء بهشت گفتن لا اله الا الله است، البته گفتنی که برخواسته از اعتقاد و ایمان قلبی انسان باشد. (ثواب الاعمال، ص ۱۷)

عظمت ذکر لا اله الا الله: پیامبر فرمود خدا به مولی خطاب کرد ای مسی اگر آسمانها و زمین و ساکنان آنها را در یک کفه ترازو، و لا اله الا الله را در کفه ی دیگر قرار دهند در نزد من لا اله الا الله بر آن کفه ی دیگر غلبه دارد، یعنی جهان آفرینش با آن عظمتش در برابر توحید هیچ است توحید بر آن غلبه دارد.

۲- نورانیت امام جماعت:

از جناب شیخ رجبعلی خیاط نقل شده که شبی حوالی غروب از نزدیک مسجدی در اوایل خیابان سیروس تهران و مسجد پایین تر از سر چشمی عبور می کردم برای درک فضیلت نماز اول وقت وارد شبستان مسجد شدم دیدم شخصی مشغول اقامه نماز است و هاله ای از نور اطراف سر او را گرفته دار آنجایی که خداوند فرمود: اقم الصلاة لذكرك، نماز را بیاد من بپادارید. طه، ۱۴

نماز یک نوع ذکر است این ذکر باعث نورانیت امام جماعت گردید.

پیش خودم فکر کردم که بعد از نماز با او مانوس شوم ببینم چه خصوصیتی دارد که چنین حالتی در نماز برای او پدیدار است پس از پایان نماز همراه او از مسجد خارج

شدم نزدیک درب مسجد، وی با خادم مسجد بگو، بگویی پیدا کرد و به او پرخاش کرد و به راه خود ادامه داد، پس از عصبانیت دیدم آن هاله نور از روی سرش محو شد.

۳- پیرمرد اهل دل، آگاه از دل امام جماعت در نماز جماعت، امام جماعت در نماز جماعت فکر می کرد پیر شدم الاغ بخرم چون منزلم تا مسجد دور است.

۴- ذکر خدا و درخت بهشتی، امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرمودند: هر کسی ذکر بگوید خداوند درختی در بهشت برایش بکارد مردی گفت یا رسول الله (ص) پس درختان ما در بهت زیاد خواهد بود. حضرت فرمود: بلی ولی مباد آتش بزنی، خداوند فرمود یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و لا تطیعوا اعمالکم (محمد، ۳۳)

۵- ذکر خدا و قصر: پیامبر (ص) فرمود در شب معراج وارد بهشت شدم فرشتگانی را دیدم با خشتی از طلا و نقره بنا می سازند و گاهی دست از کار می کشند به آنان گفتم شما را چه می شود گاهی دست از کار می کشید؟ گفتند منتظر مصالح هستیم، گفتم مصالح چیست؟ گفتند ذکر و تسبیح و تحلیل مومن در دنیا است (سبحان الله، الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) هر زمان ذکر گفت می سازیم و هرگاه نگفت می مانیم، (بحار، ج ۷۷، ص ۹۹)

جلسه نهم:

موضوع: چهار توصیه آیت الله مظاهری در مورد ماه رمضان

ماه رمضان یکی از فرصت های معنوی است لازم است جهت خودسازی و تهذیب نفس از آن بهره برداری کامل بشود.

(۱) پرهیز از غذای حرام و شبهه ناک: مراقب باشید لااقل در ماه مبارک رمضان غذای حرام و شبهه ناک نخورید. خداوند به کسی که شکم او غذای حرام وجود دارد نظر لطف نمی کند. عبادت چنین شخصی از نظر ظاهری صحیح است ولی مورد قبول خدای سبحان واقع نمیشود. حتما اگر نمی توانید درآمد خود را برای همیشه پاک کنید لااقل برای یکماه مبلغی جدا کنید و خمس و زکات آنرا بپردازید تا بتوانید این ماه را با دعای مستجابسپری کنید و به ملکه تقوا دست یابید.

۲) ارتباط با خداوند از طریق انس با نماز جماعت و قرآن و دعا:

مقصود خداوند از (اقیموا الصلاه) ، اقامه نماز جماعت است. خلوت بودن مسجد ننگ است. اگر میخواهید خداوند به شما نظر لطف داشته باشد مساجد را پر کنید. ائمه جماعات هم برای مردم (۱) اعتقادات (۲) اخلاق (۳) و احکام اسلام را بیان کنند.

۳- رسیدگی به دیگران: رابطه با خداوند، یک بال برای پرواز است، بال دیگر رابطه با مردم است قرآن مکرر فرمود: اقیموا الصلاه و اتوا الزکاة یعنی هم با خداوند فو هم با مردم رابطه داشته باشید لا اقل در این ماه به فکر دیگران باشید و از مستمندان دستگیری کنید.

اگر کسی بتواند شکم یک گرسنه را سیر کند، خداوند وعده داده او را عاقبت به خیر کند، ذلت پیدا نکند، خودش و فرزندانش منحرف نخواهند شد و هنگام مرگ امیر المومنین (ع) به فریاد او خواهد رسید.

۴- اجتناب از گناه: در ماه رمضان، چشم و گوش و زبان خود را کنترل کنید. از نگاههای آلوده بپرهیزید از دیدن فیلم ها و برنامه های حرام و بیهوده در ماهواره و اینترنت و تلویزیون دوری کنید. غنا و موسیقی حرام نشنوید، غیبت نکنید، تهمت نزنید، شایعه پراکنی نکنید، دروغ نگوئید، به کسی توهین نکنید. روزه ی همراه با گناه واقعی نیست و مقبول درگاه الهی واقع نمی شود. ماه رمضان باید مقدمه ای باشد برای رفع فساد اخلاقی

جلسه یازدهم:

موضوع: مروت و مردانگی از منظر امام حسن مجتبی (ع)

(۱) حفظ الدین: نگهداری دین و آئین

(۲) و اعزاز النفس: خویشتن داری و عزت نفس

(۳) و لین الکنف: حسن خلق و نرم خوئی

۴) وتعهد الصنيعه: دقت در عمل در تمام کارها

۵) و اداء الحقوق: و پرداخت حقوق

۶) و التحبب الى الناس

زیبایی های زندگی امام حسن مجتبی (ع)

۱) زیباترین عبادت: الف: عبادت جسمی ب: عبادت مالی ج: خوف الهی د: هرگاه به آیات یا ایها الذین آمنوا میرسید لبیک لبیک می گفت.

۲) زیباترین و بهترین استعداد

۳) زیباترین سخاوت

۴) زیباترین حلم و بردباری

۵) زیباترین امر به معروف به پیرمردی که وضو را اشتباه گرفت.

۶) زیبایی امام حسن مجتبی (ع) در بیان جدش رسول الله

امام حسن مجتبی برای دو چیز گریه کرد:

۱) از وحشت قیامت ۲) فراق و جدائی دستان

جلسه دوازدهم:

موضوع: قرآن کتابی جامع فضائل

قال الله (تعالی) : یا ایها الناس قد جاءتکم موعظة من ربکم و شفاء لمانی الصدور و هدی و رحمة للمومنین . (یونس ، ۵۷)

قوله (تعالی) : اخذ الكتاب بقوة ، قرآن را جدی بگیرید. (مریم، ۱۲)

مقدمه: ماه رمضان ، بهار قران و ماه نزول قرآن است . شب قدر نزول دفعی قرآن بر قلب پیامبر (ص) است هر چند نزول تدریجی آن در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر (ص) بوده است.

قران دارای فضایل فراوان و بی شماری است که بر همه کتابهای عالم فضیلت و برتری دارد، زیرا از علم بی نهایت الهی سرچشمه گرفته است ولی سایر کتابها از علم و آگاهی اندک و محدود بشری شکل گرفته است.

ما در میان انبوه فضائل قرانی به ده مورد از ویژگی برجسته قران کریم اشاره می کنیم.

سؤال: اگر کسی به ما خبر دهد در دورترین نقطه این کره خاکی یک کتابی وجود دارد و ده تا از فضائل بی نظیر قرآن را بیان کرده، چه عکس العملی نشان می دهیم؟

اوصاف و فضائل قرآن کریم:

۱- قرآن کریم خیر دنیا و آخرت است: قوله (تعالی) و قيل للذین اتقوا ماذا انزل ربکم قالو خیرا (نحل ، ۳۰) هنگامی که به پرهیزگاران گفته می شد پروردگار شما چه چیز نازل کرده است ؟ می گفتند خیر دنیا

در این آیه چهار مرحله از مراحل تربیت و تکامل انسان در سایه ی قرآن بیان شده است.

۱- مرحله (موعظه و اندرز)

۲- مرحله (پاکسازی روح انسان از انواع رذائل اخلاقی)

۳- مرحله (هدایت) که پس از پاک سازی انجام می گیرد.

۴- مرحله ای که انسان ،لقایت پیدا می کند تا مشمول نعمت و رحمت پروردگار قرار بگیرد.

قرآن کریم:

- ۱- انسانها را اندرز می دهد.
- ۲- زنگار گناه و صفات زشت را از قلب ها می شوید.
- ۳- نور هدایت را به دلها می تابد.
- ۴- نعمت های الهی را بر فرد و جامعه نازل می گرداند.
- ۵- قرآن، نسخه ای است برای بهبودی فرد و جامعه از انواع بیماری های اخلاقی و اجتماعی.

(تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۱)

تعبیر خواب ابن سیرین : یک روز شخصی نزد ابن سیرین آمد و گفت دیشب خوابی دیده ام و بیچاره ام کرده تعبیرش چیست؟

در خواب دیدم دنیا و آخرت را داشتم همه را از دست داده ام و خیر الدنيا و الآخرة شدم تعبیرش چیست؟ ابن سیرین قدری فکر کرد و گفت آیا قرآنی نداشته ای که از تو گم شده باشد؟

گفت بله، چند روز است قرآنی داشتم گم شده است، ابن سیرین گفت همین است خیر دنیا و آخرت در قرآن است.

حیات طیبه دنیا و زندگی با امن و آرامش را می خواهی، قرآن آخرت هم می خواهی از ساعت مرگ الی ابد در آسایش و نعمت با شبی قرآن. قرآن را از کف دادی، دنیا و آخرت از گفتم رفته است. آن شخص پرسید چه کنم؟ ابن سیرین گفت: بنشین خداوند بزرگ است طولی نکشید یک نفر دیگری آمد، آن هم خوابی دیده بود، گفت: من در خواب دیدم که دنیا و آخرت نصیب من شده است.

ابن سیرین به او گفت : قرآنی که پیدا کرده ای مال این شخص است به او بده (تفسیر سوره حجرات ، شهید دستغیب ، ص ۳۵)

۲- قرآن جهانی و جاودان است، قوله (تعالی): هذا بلاغ للناس این قرآن پیام و ابلاغی برای عموم مردم است. (ابراهیم ، ۵۲)

معجزات سایر پیامبران مانند موسی (ع) و عیسی (ع) و حتی معجزات دیگر پیامبر اکرم (ص) محدود به زمان و مکان خاص بود اما قرآن به عنوان معجزه‌ی جاوید، فراتر از زمان و مکان می باشد.

۳- قرآن کتابی حکیم است: قوله (تعالی): یس و القرآن الحکیم، یعنی قسم به قرآن

حکیم، آنک لمن المرسلین بدرستیکه تو قطعاً از رسولان خداوند هستی.

۴- اینکه قرآن را به صفت حکیم توصیف می کند در خانه که حکمت معمولاً صفت شخص زنده و عاقل است به این حقیقت اشاره دارد که، گویی قرآن را موجودی زنده و عاقل و رهبر و پیشوا معرفی می کند که می تواند درهای حکمت را به روی انسانها بگشاید و از علم و حکمت آنها را سیراب کند.

۵- قرآن شافع روز قیامت است . قال علی(ع) و اعلموا انه شافع مشفع و قائل مصدق، آگاه

باشید قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته و گوینده ای هست که

سخنش تصدیق می گردد.

۶- آن کسی که قرآن در قیامت شفاعتش کند مورد شفاعت قرار می گیرد و هر کس قرآن

از او شکایت کند گواهی قرآن بر ضد او پذیرفته می شود.

۷- قرآن نور است، قوله (تعالی): قد جاکم من الله نور و کتاب مبین . یعنی از طرف خدا، نور

و کتاب آشکاری به سوی شما آمد . (مائده، ۱۵)

کربلایی محمد کاظم قرآن را نو می بیند: کربلایی محمد کاظم مرد بی سواد است که

مورد لطف ویژه خداوند قرار گرفت و حافظ قرآن شد می گوید تمام قرآن به نور سبز در

سینه ام نوشته شده ، و مقابل چشمم نمایان است.

از مرحوم علامه حاج شیخ مرتضی حائری نقل شده وقتی کتاب خواهی که آیاند قرآن در

لابلای آن نوشته شده بود به او نشان می دادن و می گفتند آیه قرآن را پیدا کن، مستقیماً

انگشت روی آیه قرآن می گذاشت. وقتی از او سؤال می کردند چگونه آیه قرآن را از میان

یک صفحه کتاب دستنویس که یک شخص با سواد برایش پیدا کردند آن مشکل هست

ولی شما به راحتی پیدا می کنی؟ جواب می داد، آیه قرآن دارای نور است و من نور آن را

می بینم.

ماه رمضان که ضیافت الهی است از پیامبر اسلام (ص) با نزول قرآن خداوند عالم ضیافت و مهمانی بعمل می آورد این اختصاص به پیامبر گرامی اسلام ندارد از سایر بندگان خود که شایسته در خود ایجاد کرده باشند خداوند با قرآن از آنها ضیافت و مهمانی می کند همانگونه که با کربلایی کاظم اینچنین ضیافتی بعمل آورد.

صورت زیبا و نورانی قرآن در روز قیامت : مرحوم آقا میرزا جواد ملکی تبریزی درباره نور بودن قرآن می فرمود : در مساوی با معنای وجود هستی است، قرآن موجودی شریف و حکیم و صاحب حیات و زندگی و نطق است و برای آن در هر عالمی صورت و جمالی است و مثلا در این عالم که قرآن نازل شده و صورت الفاظ می باشد.

روز قیامت قرآن با زیباتری صورت وارد عالم محشر می شود. ابتدا از ضعیف مسلمانان می گذرد وقتی مسلمانان بصورت زیبای قرآن را می بینند می گویند او از ماست اما عبادت و طاعتش بیشتر بوده که این نور و جمال به او عطا شده، و نصیب ما نگشته است، قرآن از صف مسلمانان می گذرد. به صف شهدا می رسد شهدا هم با دیدن قرآن اظهار می دارند که او از ما شهدا است الا اینکه جمال و نورانیت زیاد او بخاطر بزرگ بودن مصیبت او می باشد که ما گرفتار آن مصیبت نشده بودیم. قرآن از صف شهدا می گذرد. به صف انبیا می رسد وقتی انبیا قرآن را می بینند ابراز می کنند این مرد از رسولان و پیامبران خداست ولی اسمش را نمی دانیم. در این هنگام انبیا به محضر پیامبر اسلام (ص) می رسند و از آن حضرت سوال می کنند این چهره زیبا و نورانی کیست؟ می فرماید این حجت خدا قرآن کریم است.

از صف انبیا عبور می کند به صف ملائکه میرسد ، ملائکه الهی نیز می گویند این صورت نورانی و زیبا فرشته ای از فرشتگان الهی است که چون از فرشتگان مقرب خداوند است این چنین صاحب جمال و نورانیت میباشد ، قرآن از صف ملائکه نیز عبور میکند تا پیش خدا در برابر خداوند عالم به سجده می افتد، در این حال خداوند خطاب میکند ای حجت من و ای کلام صادق و ناطق من ، سر از سجده بردار و هرچه میخواهی سؤال کن و هر کس را میخواهی شفاعت کن که شفاعت مورد قبول و پذیرش است پس قرآن به فرمان الهی سر از سجده

برمیدارد و عرضه میدارد خداواندا بندگان تو بعضی مرا محافظت کردند و به اندازه طاعت خود مرا حکومت داشتند و حق مرا رعایت کردند ، خداوند عالم می فرماید: به عزتو جلال خودم سوگند که هرکس تو از او راضی باشی پاداش رضایت و خشنودی تو را به او می رسانم و هرکس که تو از او راضی نباشی انتقام تو را از او می گیرم.

(۶) قرآن سفره الهی است:

قال رسول الله (ص): قرآن مآدبه و سفره الهی است پس آنچه توانایی دارید مآدبه اله را بیاموزید. (انسان و قرآن - علامه حسن زاده آملی/ص ۶۳)

*طعام این سفره الهی غذای انسان است که به ارتزاق آن متخلق به اخلاق الهی میگردد و متصف به صفات ملکوتی میشود.

*هیچکس از کنار این سفره الهی با دست خالی بر نمی خیزد آنکس که قرآن را گشوده و نوشته های آن را زیارت کرده است به همین اندازه بهره ای برده است. (اصول کافی/ج ۲ / ص ۴۴۹).

*آن کسی که قرآن را قرائت کرد لقمه ای بهتر از آن برداشته است و آن کسی که به ترجمه آن آگاهی پیدا کرد لقمه بهتر می دارد و آن کسی که می تواند آیات را با یکدیگر تلفیق کند و ترتیب و انسجام بدهد تا نتایجی حاصل کند او بهره های مهمتری برد و همینطور به تعبیر امیرالمومنین (ع) إقرء و ارق ، بخوان و بالا برو ، (که درجات بهشت به اندازه آیات قرآن کریم است)

(۷) قرآن کریم آیات موعظه و پند و اندرز الهی است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
لِلْمُؤْمِنِينَ (يونس/۵۷)

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده، و درمان آنچه در سینه هاست، و هدایت و رحمت برای مؤمنان (یونس/۵۷)

*اگر پند و اندرز خدا نتواند ما را از خواب غفلت بیدار کند که رساترین موعظه است پس چه چیزی می تواند ما را بیدار کند.

*تاثیر قرآن آیه ۱۰ تا ۱۳ سوره فرقان در دل زن گنهکار بنام شعوانه:

آنها روز رستاخیز را دروغ می شمارند و ما برای آنکه قیامت را دروغ می شمارند آتش فروزانی آماده کردیم.

۸) قرآن شفا و درمان بیماریهای روحی و معنوی انسان است:

وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ ، و شفا است برای آنچه در سینه های شما است (یونس / ۵۷)

۹) قرآن کتاب هدایت است:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿اسرا / ۹﴾

این قرآن به راهی هدایت می کند که مستقیم ترین راههاست، و به مؤمنانی که عمل صالح انجام می دهند بشارت می دهد که برای آنها پاداش بزرگی است (اسرا / ۹)

۱۰) قرآن رحمت برای مومنین است:

وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿یونس / ۵۷﴾

هدایت و رحمت برای مؤمنان است.

خداوند دارای دو گونه رحمت است: ۱) رحمت عام که مشترک بین کافر و مومن است مانند نعمتهای مادی در دنیا

۲) رحمت خاص و ویژه بندگان مومن و صالح مانند زندگی پاکیزه قرآنی (حیات طیبه) و مانند راز و نیاز با خدا و مانند یاد خدا و مانند خود قرآن که رحمت خاص الهی است.

*مهمترین چیزی که امروز می تواند ما را در مقابل تهاجم فرهنگی بگانگان حفظ کند قرآن است البته باید به دو شرط عمل شود.

(۱) فاستعذ بالله (استعاذه و پناه بردن به خدا از شر شیطان رجیم و رانده شده از درگاه ایزد متعال و گفتن اعوذبالله من الشیطان الرجیم)

(۲) اقرء باسم ربك الذی خلق (قرآن را به اسم خدا آغاز کنید و به اسم غرب و شرق . همان آغازی که امام خمینی داشته همان آغازی که امروز آیه الله سیستانی دارد.

جلسه سیزدهم:

موضوع: یقین و باور انسان

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (بقره/۴)

آنها به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین نازل گردیده) ایمان می آورند، و به رستاخیز یقین دارند. (بقره/۴)

*قال علی (ع): ان الدین الشجره اصلها الیقین

*صفوان جمال میگوید از حضرت صادق (ع) درباره ایه ۸۲ سوره کهف سوال کردم؟

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا

اما آن دیوار ، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن ، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت .

مقصود چیست؟ امام صادق (ع) فرمود مقصود سیم و زر نبود بلکه چهار کلمه بود.

۱- علم الیقین : آتش سوزاننده است آنقدر گفتند برای ما علم حاصل شد.

۲- عین الیقین : وقتی آتش را در بخاری یا منقل دیدیم به عین الیقین رسیدیم.

۳- حق الیقین : دست خودمان را روی آتش می گذاریم می سوزد اینجا به حق الیقین رسیدیم.

*علی (ع) می فرماید: لو كشف الغطاء ما ازدت یقینا

*امام حسین (ع) می فرماید: عمیت عین لها تراک. (کور شود چشمها که تو را نبیند)

اللهم اجعل غنایی فی نفسی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و النور فی بصری و البصیره فی دینی.

*مراتب یقین در پیامبران الهی (ع):

به رسول خدا (ص) عرض کردند حضرت عیسی (ع) روی آب راه می رفت بدون اینکه فرو برود فرمود: اگر یقینش بیشتر بود در هوا هم راه می رفت. یقین محمدی کجا و یقین سایرین کجا؟

*ترس از خدا نشانه یقین و ایمان است که گناه نمی کند، امام خمینی (ره) فقط ترس از خدا داشتند.

پنج صفت متقین و پرهیزگاران:

(۱) ایمان به غیب: به خدای غیرقابل رویت اعتقاد دارند ، مرز ماده را شکافته روح خود را با جهان بزرگتری ارتباط می دهند.

(۲) ارتباط با خدا در اقامه نماز: در برابر بتها جباران و ستمگران تعظیم و خضوع نمی کنند. فقط در برابر خدا تعظیم دارند و تسلیم هستند.

(۳) ارتباط با انسانها (انفاق): (من اموالهم ینفقون)

(۴) ایمان به تمام پیامبران خدا: چون تمام پیامبران یک هدف را تعقیب می کده اند و همه مردم را به سوی خداوند یکتا دعوت می نموده اند.

۵) ایمان و یقین به رستاخیز و قیامت: این صفتی است که بین این جهان و آن جهان ارتباط ایجاد می کند. این اعتقاد به او آرامش میدهد ، بی عدالتی هایی که نسبت به او اعمال میگردد او را به زانو در نمی آورد. میداند روزی به تمام آنها رسیدگی خواهد شد زندگی در این جهان همچون زندگی دوران جنینی است که هدف نهایی افرینش نمی باشد.

(۱) أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا (مَنْمَ خدَا و هِيچَ خدَائِي جَزَ مِنْ نِيست)

(۲) مَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ لَمْ يَضْحَكْ سِنَّهُ (هر که به مرگ یقین داشته باشد دهانش به خنده باز نمی شود)

(۳) وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لَمْ يَفْرَحْ قَلْبُهُ (هر که به حساب یقین داشته باشد دلش شادی نمی کند)

(۴) وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ (هر که به تقدیر یقین داشته باشد، از چیزی جز خدا نمی ترسد.)

مقدمه:

نترسیدن از مرگ نشانه صدق و یقین است.

امام خمینی (ره) فرمود: هیئات که ایمان ما سست است و اهل یقین نیستیم و آلا ممکن نبود که اینطور به غفلت بگذرانیم و تا صبح در خواب باشیم. همه بدبختی ها از ضعف ایمان و سستی یقین است (چهل حدیث ، مرحوم امام خمینی ، ص ۲۰۵)

مومنان در قوت و ضعف یقین با هم متفاوت هستند کسی که یقینش قوی است هر حول و قوه ای را از خدا می داند زیادی و کمی ، مدح و ذمّ عزت و ذات برایش مساوی است. کسانی که ایمان و یقینشان ضعیف است پیوسته دلشان به اسباب دنیا وابسته است و حرفها و سخنان مردم را ملاک قرار می دهند و برای رسیدن به سیم و زر پست و مقام در تلاش هستند.

رتبه و درجات انبیاء با هم فرق می کرد، که آن هم بخاطر مراتب یقین بوده است
وقتی به پیامبر (ص) می گفتند عیسی (ع) روی آب راه می رفت، فرمود اگر یقینش بیشتر بود
روی هوا راه می رفت:

یکی از شاگردان امام باقر(ع) عرض کرد ما الیقین؟ اما باقر فرمود:

۱- التوکل علی الله ۲- والتسلیم لله ۳- والرضا بقضاء الله ۴- و التفویض الی الله (ترجمه

تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۲۰۰)

۲- نور یقین:

۳- یارب زقنا عتم توانگر گردان و ز نور یقین دلم منور گردان

۴- روزی من سوخته سرگردان بی منت مخلوق میسر گردان

علامه شعرانی فرمود: مقصود علی (ع) از این جمله لو کف الغطاء ماردوست یقینا اگر پرداها
بالا برود چیزی بر یقین علی (ع) افزوده نمی شود، این جمله دلالت دارد که علی (ع) آخرت را
در دنیا می دیده اند!

نمونه هایی از انسانهای اهل یقین:

۱- یقین سعد بن معاذ: پیامبر (ص) از من پرسید چگونه ای؟ گفتم خوبم. زیرا به خدا یقین

دارم. پیامبر (ص) فرمود دلیل بر صداقت در گفتارت چیست؟ عرض کردم صبگاه یقین

ندارم که آن را به شب می رسانم و شبانگاه یقین ندارم که آن را به صبح می

رسانم، هرگامی که بر می دارم یقین ندارم که گام دوم را بر می دارم و گویا می بینم که

هر امتی را با پیشوا و کتاب و پیامبر خود در قیامت به سوی دادگاه عدل الهی فرا می

خوانند و گویا اهل بهشت را می بینم که در نعمت و اهل آتش را می بینم که در

زحمت به سر می برند؟ پیامبر (ص) فرمود: ای سعد عرفت فالزم، تو راه حق را شناخته

ای پس به آن ملتزم باش! (شاد القلوب دیلمی، ج ۱، ص ۳۲۹)

۲- ۲- جهنم در شب معراج: رسول خدا (ص) فرمود در شب معراج چون داخل آسمان اول

شدم هر ملکی مرا دید خندان و خوشحال شد تا آن که رسیدم به ملکی از ملائکه که

به من سلام کرد و دعا و تحنیت گفت لکن نخندید از جبرئیل پرسیدم که این کیست

که من از دیدنش ترسان شدم گفت حق داری که از او بترسی ما همه از او ترسانیم، این مالک، خازن جهنم است و هرگز نخندیده لاست و از روزی که حقتعالی او را والی جهنم گردانید پیوسته در حال خشم و غضب بر دشمنان و اهل معصیت است اگر بر کسی دیگر می خندید بر شما هم می خندید.

۳- پس من بر او سلام کردم و رد سلام نمود و مرا بشارت به بهشت داد، به جبرئیل گفتم که به مالک بفرمائید آتش جهنم را به من نشان بدهد! مالک این کار را کرد پرده را بالا برد و دری از درهای جهنم را باز کرد، ناگاه زبانه ای از آتش به سوی آسمان بلند شد ترسیدم. پس گفتم ای جبرئیل بگو که پرده را بیندازد. مالک پرده را انداخت سعد بن معاذ کارش به اینجا کشید که با یقین و اطمینان قلبی، مثل پیامبر اکرم (ص) بهشتیان را در بهشت و جهنمیان را در جهنم می دید. (منازل الآخرة، ص ۱۳۵)

۴- شیطان با ترویج اخلاق خشونت آمیز نابود کننده یقین وقتی حضرت عیسی با ابلیس برخورد کرد او پنج بسته ی سرخ رنگ را حمل می کرد، عیسی از محتوی بسته سوال کرد گفت اجناسی است که مشتری های مختلفی دارد.

- ۱- جور ظلم و ستم مشتری آن شاهان و قدرتمندان هستند.
 - ۲- کبر، که مشتری آن مسئولان و ثروتمندان هستند.
 - ۳- حسد که مشتری آن دانشمندان هستند
 - ۴- خیانت که مشتری آن تجار و بازرگانان هستند
 - ۵- مکر و فریبکاری که مشتری آن زنان بدکاره و بی ایمان هستند
- ۵- درمان چاقی سلطانی حکیمی گفت چهل روز دیگر می میرد. سلطان عادلی مریض شد بدنش گوشت زیادی آورده، و عاجز ماند، تا اینکه شخص خردمند و حکیمی گفتفدا روی سلطان نزد من است همه خوشحال شدند. او را به خدمت سلطان بردند نبض او را گرفت گفت سلطان چهل روز دیگر می میرد اگر بعد از چهل روز زنده ماند او را معالجه می کنم. سلطان وقتی این کلام را شنید لرزید و هر روز بخاطر این غم و ترس از مرگز لاغر و ضعیف می شد تا اینکه چهل روز تمام شد بدنش مانند مردم معمولی شد. سلطان دستور داد که به این حکیم جایزه بسیار عطا کنند. (سرمایه سعادت، ص ۲۴)

۶- یقین مرحوم آست الله شیرازی: به آقا گفتند اگر گوینده ی صادقی به شما خبر دهد که یک هفته ی دیگر می میرید در این روزهای باقی مانده از عمر چه می کنید؟ فرمود هر کاز از اول جوانی انجام می دادم الان هم انجام می دهم بخاطر یقین از اول جوانی هر کاری انجام می دادم فکر پاسخ قیامتش بودم. لذا علی(ع) فرمود: یا بنی اکثر ذکر الموت (معاد قرائتی، ص ۵۸)

یک بیت شعر باعث نجات فردوسی شد در بهشت مقام رفیعی پیدا کرد.

جهان را بلندی و پستی تویی ندانم چه ای هرچه هستی تویی

۷- فاضل دوانی و ما در اهل یقین: این عالم برجسته در فکر شد کتابی در اثبات توحید و

خدا شناسی بنویسد، وقتی قلم را به دست گرفت و بر صفحه کاغذ نهاد و مشغول

نوشتن شد، مادرش گفت پسر چه می نویسی؟ گفت رساله ای درباره ی خداشناسی

می نویسم. مادر که درباره خداشکی نداشت و در مقام یقین زندگی می کرد گفت: افی

الله شک فاطر السموات و الارض

مرحوم فاضل دوانی از تالین آن منصرف شد (انوار نمانیه، ص ۵۶)

فضانورد (منکر خدا):

دیدم که یکی فضانوردی برگشت ز جو لاجوردی

میگفت که در فضا خدا نیست اصلا قدم فرشته ها نیست

گشتم همه جا خدا ندیدم پر و از فرشته ها ندیدم

از من که ببرد به او پیامی آقای فضانورد نامی

با چند قدم هوا پریدن نتوان ملک و خدای دیدن

دیدار خدا بود میسر با دیده دل نه دیده سر

۸- یقین یاران حسین (ع) شب عاشورا زینب (س) به امام حسین (ع) عرض کرد برادرم

نکند اصحاب فردا تورا رها کنند و تنها بگذارند حضرت فرمود: بخدا قسم آنها را امتحان

کردم، آنقدر به شهادت علاقمندند مانن مانوس بودن طفل به شیر پستان مادر، وقتی امام

حسین (ع) جایگاهشان را در بهشت به آنان نشان داد. بر یقین آنها افزوده شد فلذا روز

عاشورا از ضربات نیزه و شمشیر احساس درد نمی کردند. (منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۴)

جلسه چهارم:

خداوند چه کسانی را دوست دارد و چه کسانی را دوست ندارد؟

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٣١﴾ (ال عمران / ٣١)

(همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه‌های کتب پیشین، منطبق است، و

تورات و انجیل را ﴿٣١﴾ (ال عمران / ٣١)

از کجا بدانیم خدا ما را دوست دارد؟

شخصی از پیامبر (ص) همین سوال را فرمود ببین تو چقدر خدا را دوست داری! به همان اندازه خدا هم تو را دوست دارد، باید غایت و هدف اصلی عمل انسان رضایت خدا باشد. این روحیه باعث میشود انسان افسار گسیخته نباشد، حرف زدن و سکوتش، معاشرت و عدم معاشرتش، مصرف و قناعتش، تدریس و تالیفش همه رنگ خدایی پیدا می کند.

علی (ع) فرمود: (فی رضی الله غایه المطلوب) بدست آوردن رضایت خدا مطلوب نهایی است.

خداوند چه کسانی را دوست دارد؟

۱) پیروان پیامبر اکرم (ص) را، استناد به آیه بالا (ال عمران/٣).

همیان زر برای ابوذر غفاری در زمان حکومت عثمان به قیمت ازادی غلام عثمان: ابوذر امتناع کرد غلام گفت ازدی من در آن است. ابوذر فرمود: ازاد تو در آن است ولی در مقال بندگی و غلامی من در آن خواهد بود. (کشکول نفیس)

۲) نیکوکاران را:

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ (بقره/١٩٥)

و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی

کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد ﴿بقره/١٩٥﴾

*مصدق نیکی فقط صدقه دادن نیست بلکه: (۱) وظیفه را بخوبی انجام دادن (۲) انصاف کاسب (۳) دلسوزی معلم (۴) خاری و سنگی را از سر راه برداشتن و... (۵) هوشیاری نظامی مصداق نیک است. (۶) عیادت بیمار-معالجه بیمار

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿ال عمران / ۷۶﴾

آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می‌دارد، زیرا) خداوند پرهیزکاران را دوست دارد ﴿ال عمران / ۷۶﴾

*گزینش دوست توسط شیخ بهایی: او را در مسافرت امتحان کرد دید هر جایی میرسد (حتی اذا بلغت الحلقوم) می خورد حال عیادت ندارد، نماش قضا میشود لذا گفت نمی توانم با تو دوست بشوم

*دوستی ها بر سه اساس است: (۱) بر اساس مال و ثروت (۲) مقام (۳) شهوت

(۴) صبر کنندگان را:

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿ال عمران / ۱۴۶﴾

*انواع و اقسام صبر:

(۱) صبر بر طاعت و عبادت (۲) صبر در معصیت (۳) صبر در مصیبت و بلاها و مشکلات (۴) صبر در هنگام جهاد و نبرد با دشمنان (۵) صبر در حکومت و مکتب علی (ع) و امام خمینی (ره) صبر کردند.

*مقام صابریں در قیامت: بدون تشکیل پرونده به سوی بهشت راه می افتند ملئکه می پرسند کی هستید؟ می گویند (نحن صابرون) ، ما صبر کنندگان هستیم.

امام صادق (ع) فرمود: (شیعتنا اصبر منّا). شیعیان ما از ما صبورتر هستند ما با دیدن پشت پرده صبر میکنیم اما آنها پشت پرده را ندیده صبر می کنند. (استاد انصاریان)

۵) عادلان را:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿مائده / ۴۲﴾

که خدا عادلان را دوست دارد ﴿مائده / ۴۲﴾

*حضرت زهرا س فرمود: عدالت باعث پیوند قلوب است.

*ریشه خوشبختی جامعه انسانی: (۱) داشتن برنامه صحیح نه شرقی نه غربی (۲) اجرای اصول عدالت به صورت یک برنامه همیشگی.

۶) توبه کنندگان را:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ ﴿بقره/۲۲۲﴾

خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد ﴿بقره/۲۲۲﴾

۷) توکل کنندگان را:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿ال عمران / ۱۵۹﴾

۸) مجاهدان را:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴿صف / ۴﴾

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند همچون بنائی آهن ﴿صف / ۴﴾

*خداوند چه کسانی را دوست ندارد؟

۱) انسانهای متجاوز را:

ان الله لا يحب المعتدين (بقره ۱۹۰)

*هر کس حد و مرز خود را نشناسد حق زن و فرزند و همسایه و همکار و دوست و فامیل ، بالادست و زیر دست ، و... متجاوز است.

۲) مفسدان و فساد را:

والله لا يحب الفساد (بقره ۱۹۰)

ان الله لا يحب المفسدين (قصص/۷۷)

۳) انسانهای گناهکار را:

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۶﴾

هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد ﴿بقره / ۲۷۶﴾

۴) کافران را:

فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۳۲﴾

خداوند کافران را دوست نمی‌دارد ﴿ال عمران / ۳۲﴾

۵) خائنان را:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿۵۸﴾

زیرا خداوند خائنان را دوست نمی‌دارد ﴿انفال / ۵۸﴾

۶) فخر فروشان را:

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿حَدِيد / ۲۳﴾

۷) ظلم کنندگان را:

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿ال عمران / ۵۷﴾

و خداوند، ستمکاران را دوست نمیدارد ﴿ال عمران / ۵۷﴾

۸) مسرفان را:

— كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿اعراف / ۳۱﴾

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد ﴿اعراف / ۳۱﴾

— أِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿غافر / ۴۳﴾

و مسرفان اهل دوزخند ﴿غافر / ۴۳﴾

*نظریه صاحب نظران در باب موارد مصرف انسان:

۱) ضروریات که غذا - لباس - مسکن است

۲) رفاهیات مثل ماشین - یخچال - فرش و غیره

۳) هوسیات ، موارد غیر ضروری و رفاهی که از چشم و هم چشمی ها ناشی میشود و موجب اسراف زیادی میشود.

*صرفه جویی بر دو قسم است:

(۱) صرفه جویی اقتصادی

(۲) صرفه طلبی مذموم